



سال سوم • بهار و تابستان ۹۶ • شماره ۶

Journal of Islamic Psychology

Vol. 3, No. 6, Spring & Summer 2017

## بررسی رابطه عوامل شخصیتی افسردگی‌زا از دیدگاه قرآن و عوامل شخصیتی از دیدگاه کتل، از طریق همبستگی بنیادین

هانیه زراعت‌کار\*

هادی بهرامی احسان\*\*

سپیده امامی\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به روش همبستگی و با هدف بررسی رابطه عوامل افسردگی‌زا از دیدگاه قرآن (تمایلات گرایش انزوایی، احساس شکست، دین‌گریزی، ضعف اعتماد به خدا، خودجانبداری و نوسان خلقی) و عوامل شخصیتی کتل انجام پذیرفت. کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ تحصیل می‌کردند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. گروه نمونه ۱۷۰ نفر از دانشجویان (۹۱ دختر و ۷۹ پسر) بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و تحت آزمون قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌های «مقیاس تشخیص افسردگی مبتنی بر قرآن» و «آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل» بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل چندمتغیری همبستگی بنیادی استفاده شد. نتایج نشان داد که پنج بعد همبستگی بنیادین معنادار میان صفات قرآنی و نظریه شخصیتی کتل وجود دارد. سازه‌های زیربنایی استخراج شده بر حسب متغیرهای همبسته معنادار، شامل پنج سازه «متدین فداکار خودکارآمد»، «سست‌ایمان بی‌کفایت»، «متدین دوسوگرا»، «متدین متواضع و خودسرزنش‌کننده» و «متدین درونگرا و هوشمند» است. بنابراین، عوامل افسردگی‌زا از دیدگاه قرآن و عوامل شخصیتی کتل با هم ارتباط معناداری دارند و این ارتباط در قالب این پنج سازه بنیادین وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** افسردگی، صفات قرآنی، عوامل شخصیتی کتل.

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه تهران | zeraatkar@ut.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳

## مقدمه

اختلال افسردگی از مشکلات اصلی بهداشت عمومی و از شایع‌ترین اختلال‌های هیجانی محسوب می‌شود (دوزویس<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۴، ص ۴۱). افسردگی اساسی اختلالی دوره‌ای با شروع و پایان مشخص است. علائم افسردگی شامل علائم هیجانی (غمگینی، ناامیدی)، علائم شناختی (اشکال در تمرکز و حافظه)، علائم رفتاری (کندی، بی‌قراری و...)، علائم اجتماعی (فقدان لذت از امور) و علائم زیستی (اختلال در خواب و خوراک و مسائل جنسی) است که منجر به اختلال در روند کلی زندگی فرد می‌شود (کلارک و فریورن، ۱۳۸۵، ص ۷۶).

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، افسردگی هر سال ۳۸ میلیون نفر را مبتلا می‌کند. افزون بر آن، دو برابر این عده، حدود ۷۶ میلیون نفر، در مراحل اولیه از زندگی خود به بیماری‌های مرتبط با افسردگی و اضطراب مبتلا می‌شوند (کسلر، ۲۰۰۲، ص ۴۲۱). در ایران نیز گزارش شده است که افسردگی بالاترین بار را در جمعیت عمومی، هم از لحاظ شکل اختلال خاص و هم به صورت همبود با سایر اختلالات روانی و جسمی دارد. زیان‌های حاصل از این بیماری از لحاظ آلام فردی، مصائب خانوادگی، شکست‌های تحصیلی، عاطفی، از دست دادن بهره‌وری شغلی و مرگ متفاوت است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۲). شیوع گسترده و تنوع پیامدهای بالینی و غیربالینی این اختلال به همراه هزینه‌های مالی و اجتماعی فراوانی که بر جوامع تحمیل می‌کند، متخصصان را به این نتیجه رسانیده است که هر گونه سرمایه‌گذاری در زمینه شناخت و درمان این اختلال مؤثر خواهد بود (نوربرگ و همکاران، ۲۰۰۸). روان‌شناسان بین انواع خاصی از افسردگی تمایز خاصی در علت‌شناسی قائل نبودند و با دریافت تشخیص اختلال افسردگی در فرد، کار روان‌درمانی را معمولاً به صورت یکسان برای مراجعان و با روندی مشخص و با پروتکلی ثابت ادامه می‌دهند. دسته‌بندی انواع اختلال‌های افسردگی نه بر اساس سبب‌شناسی بلکه بر اساس ملاک‌های ظاهری و نشانه‌ای مانند عود حملات، شدت حملات، مدت آنها، نوع نشانه‌ها، زمان بروز نشانه‌ها و... است (کاپلان<sup>۳</sup> و سادوک، ۲۰۱۵، ج ۱، ص ۳۴۷).



1. Dozois, D. J. A.
2. Kessler, R. C.
3. Kaplan, B. J.
4. Sadock, B. A.

علی‌رغم شیوع گسترده و اهمیت فراوان شناخت این بیماری، دانش روان‌شناسی هنوز به قطعی‌تی درباره عوامل علّی و زیربنایی افسردگی نرسیده است. از دیگر سو، تأثیرات درمانی انواع روان‌درمانی‌های افسردگی در مطالعات مختلف از ۵۰ تا ۷۶ درصد متغیر بوده و نتوانسته‌اند جهشی در میزان اثربخشی روان‌درمانی ایجاد کنند. بسیاری از روان‌درمانی‌ها فقط کمی از اثر پلاسیبو یا دارونما بیشتر بوده‌اند. روان‌درمانی از درمان‌های غیراختصاصی یا پلاسیبو، که سعی دارند در درمان‌جویان انتظار مثبت ایجاد کنند، دو برابر مؤثرتر است (گریسوم، ۱۹۹۶).

در نقطه مقابل، امروزه در بسیاری از مطالعات در حوزه روان‌شناسی دین، معنویت‌گرایی به عنوان عاملی محافظ در برابر انواع اختلالات، خصوصاً افسردگی، تأیید شده است. در اغلب این مطالعات، بر نقش ظواهر دینی، مناسک و باورهای عمومی انواع مذاهب به طور کلی در پیش‌گیری از انواع اختلالات تأکید می‌شود. مثلاً در مطالعات بسیاری، نقش مذهبی بودن در پیش‌گیری از افسردگی تأیید شده است (از جمله: لارسون<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۳؛ اسمیت، مک‌کالو و پل، ۲۰۰۳). سیج<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی طولی به بررسی نقش مذهب در پیش‌گیری از افسردگی پرداخته است. در پیگیری ده‌ساله او از افراد با ریسک بالا و پایین افسردگی نتایج جالبی به دست آمده است که در آن نقش پیش‌گیرانه مذهب در برابر افسردگی در طی ده سال تأیید شده است.

با وجود این مسائل و پاسخ‌ندادن علم بشری به بسیاری از پرسش‌ها در زمینه شناخت و درمان افسردگی، وجود نگاه جدیدی در این عرصه و رجوع به منابع متقن ضروری به نظر می‌رسد. قرآن کتاب دین، زندگی و هدایت است که در آن از آموزه‌هایی که انسان را به سعادت می‌رساند فروگذار نشده است؛ پس در صورتی که انسان به عارضه‌ای مبتلا شود که او را از مسیر کمال باز می‌دارد به طور حتم در آن نسخه‌های شفابخش منحصر به فردی گفته شده است. همچنین، قرآن کتاب فطرت است و با زبان فطری با مردم سخن گفته است. بنابراین، پیام‌های روح‌بخش او سریع‌ترین راه علاج اختلالات انسان است. از منظر دیگر، قرآن کتاب ذکر است و با ارجاع انسان به خودش او را به بازنگری در اعمال، باورها و اندیشه‌هایش فرا می‌خواند و با فعال‌کردن تفکر و تعقل او، راه چاره معضلات را از درون به او می‌دهد (بهرامی احسان، اخوت و فیاض، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). یکی دیگر از

1. Larson, D. B.

2. Sage, M.

ویژگی‌های قرآن کریم که ضرورت رجوع به آن را در فهم امور مربوط به انسان فراهم می‌کند «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ بَدْوَن» آن است. قرآن کریم تبیان (بیانگر) همه معارف برای بشر و عهده‌دار بیان همه معارف و احکام هدایتگر، سعادت‌بخش و سیادت‌آفرین جوامع انسانی است و چنین کتابی حتماً در تبیین رهاورد خود بین و روشن است، نه مبهم و معجل و نیازمند به روشننگر؛ زیرا کتاب مبهمی که قادر بر حل معانی و تفسیر مطالب خود نیست، هرگز توان تبیین معارف سعادت‌بخش را ندارد. از این جهت قرآن کریم نسبت به محدوده داخلی خود بین و نسبت به بیرون از خویش مبین است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲). بنابراین، رجوع به قرآن در بررسی افسردگی ضروری به نظر می‌رسد.

افسردگی مبتنی بر قرآن، خمودی و کسالتی است که به واسطه اعتمادنداشتن به خدا و فقر تفکر در فرد شکل گرفته و او را از سویی به احساس بی‌نتیجه‌بودن کارها و از سوی دیگر به بی‌رغبتی و نداشتن رضایت از زندگی و در نهایت به خواری درونی و غم فراگیر می‌کشاند (بهرامی احسان، اخوت و فیاض، ۱۳۹۴). در رویکرد قرآنی شش عامل و صفت برای ابتلا به افسردگی وجود دارد: ۱. تمایلات گرایش - انزوا: گرایش فرد به افراد توانگر و دوری آنها از افراد تلاشگر متواضع، همراه با فقدان سعی بیرونی و خشیت درونی روی می‌دهد و ناکامی، ناتوانی، فرار و انزوا و احساس حزن و اندوه برای او ایجاد می‌کند؛ ۲. احساس شکست و پوچی: نوعی احساس شکست در خصوص بی‌نتیجه‌بودن عمل است که علت آن داشتن علم یا کار بیهوده، ضعف تفکر، ولایت‌ناپذیری، فقدان باور به روز حساب و بی‌رغبتی در تغییر باورها و کسالت است که منجر به ایجاد احساس نارضایتی، سرشکستگی و ناامیدی از تغییر می‌شود؛ ۳. ضعف ایمان: شامل فقدان هدایت‌یافتگی و فقدان ذکر می‌شود (همان) که در این وضعیت شناخت‌های فرد از گزاره‌های دینی سست و ضعیف می‌شود؛ ۴. دین‌گریزی: شامل اعتماد ضعیف داشتن به خداوند، کراهت از دستورهای دین، دورویی و ادعای بدون عمل، کینه و قلب مریض و بخیل است و فرد در ستیز با ولی خدا قرار دارد، هرچند با این وضعیت باز هم به توجیه و تزیین کارهای خود دست می‌زند؛ ۵. نوسانات خلقی: شامل نوسانات خلقی شدید بین رضایتمندی - نارضایتی، ارزشمندی - حقارت و شادی - غمگینی؛ ۶. خودجانبداری: توجه نکردن به حقوق دیگران، تمسخر و استهزای آنها که طراوت و نشاط را می‌گیرد و احساس حقارت و نارضایتی ایجاد می‌کند (فیاض، بهرامی احسان و اخوت، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر، در روان‌شناسی از رویکردهای مختلف برای توصیف شخصیت و ابعاد آن

استفاده می‌کنند. یکی از این رویکردها نظریه صفات است که بر این فرض مبتنی است که شخصیت فرد چکیده‌ای است از صفات یا شیوه‌های مشخصی از رفتار، فکر، احساس و واکنش نشان دادن (کریمی، ۱۳۸۷). بانفوذترین این نظریه‌ها، نظریه کتل است که مبتنی بر مجموعه‌ای از صفات است که به طور نسبی در هر فرد وجود دارد و عوامل اصلی ساختاری و زیربنایی را تشکیل می‌دهد (همان). محور اصلی نظریه کتل، تمایزی است که میان دو نوع صفات صوری و پایه یا عمقی قائل می‌شود. صفات صوری مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتار هستند که آشکار و ظاهری‌اند و دوام و ثبات آنها بسیار کم است و در اثر ارتباط صفات عمقی با یکدیگر حاصل می‌شوند. صفات عمقی، منبع و سرچشمه صفات صوری و علت‌های واقعی رفتار هستند. این صفات بادوام است و از نظر کتل اهمیت بیشتری دارد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۴).

کتل پس از ۲۰ سال پژوهش گسترده خود در زمینه تحلیل عاملی ویژگی‌های شخصیتی، ۱۶ عامل عمقی اصلی را معرفی کرد که هر کدام دارای قطب مثبت و منفی هستند. این عوامل عبارت‌اند از: ۱. عامل A: مردم‌آمیزی - مردم‌گریزی؛ ۲. عامل B: هوش، دارای تفکر انتزاعی یا عینی؛ ۳. عامل C: ناپایداری هیجانی - نیرومندی من؛ از نظر هیجانی استوار و دارای پختگی عاطفی؛ افرادی که به‌سهولت از جانب مردم یا اشیاء آزرده می‌شوند؛ ۴. عامل E: اطاعت - سلطه، سلطه‌گر و پرخاشگر، فروتن و سلطه‌پذیر و منفعل؛ ۵. عامل F: درونگرایی - برونگرایی؛ ۶. عامل G: باوجدان و پیرو قوانین - بی‌اعتنا به قوانین؛ ۷. عامل H: عامل تهور - کناره‌گیر؛ ۸. عامل I: حساسیت هیجانی بالا در برابر افراد بی‌احساس؛ ۹. عامل L: گسیخته‌خویی پارانویاگونه - سازش‌پذیر؛ ۱۰. عامل M: تخیلی و غیرعملی - علاقه‌مند به موضوعات واقعی؛ ۱۱. عامل N: ظرافت و زیرکی - سادگی بی‌ظرافت؛ ۱۲. عامل O: اعتماد توأم با آرامش - بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز؛ ۱۳. عامل Q1: تندروری در خلق و خو - محافظه‌کاری؛ ۱۴. عامل Q2: متکی به دیگران - مسلط بر خود؛ ۱۵. عامل Q3: مهارگری اراده؛ و ۱۶. عامل Q4: تنش، تنیده - آرام (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹).

اکنون ضروری است با نگاه تازه‌ای به افسردگی پردازیم. لزوم استفاده از قرآن در تبیین افسردگی، ضرورتی نظری و عملی است. زیرا قرآن کریم تیمان همه معارف برای بشر و عهده‌دار بیان معارف و احکام هدایتگر، سعادت‌بخش و سیادت‌آفرین جوامع انسانی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

در نهایت، هدف اصلی این پژوهش بررسی روابط متقابل متغیرهای افسردگی از منظر قرآن و

عوامل شخصیتی کتل است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت است از:  
رابطه عوامل شخصیتی کتل با صفات افسردگی از منظر قرآن چگونه است؟  
هر یک از صفات قرآنی چگونه عوامل شخصیتی کتل را پیش‌بینی می‌کند؟

## روش پژوهش

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش در چارچوب طرحی غیرآزمایشی، از نوع همبستگی انجام شده است. کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های دانشگاه تهران که در سال تحصیلی ۹۳ - ۹۴ مشغول به تحصیل بودند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. گروه نمونه این پژوهش ۱۷۰ نفر دانشجویان (۹۱ دختر و ۷۹ پسر) هستند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و تحت آزمون قرار گرفتند.

### ابزار پژوهش

۱. مقیاس تشخیص افسردگی مبتنی بر قرآن: این مقیاس ۷۹ مؤلفه‌ای که بهرامی احسان، اخوت و فیاض (۱۳۹۴) طراحی کرده‌اند، مقیاسی است برای بررسی ریشه‌ها و علل افسردگی در افراد. این مقیاس دارای شش عامل اصلی یا زیرمقیاس است: نوسانات خلقی، تمایلات گرایشی - انزوایی، دین‌گریزی، احساس شکست، ضعف ایمان و خودجانبداری. این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای طیف لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تهیه شده است. شاخص آلفای کرونباخ برای عامل اول، ۰/۹۴، عامل دوم ۰/۹۲، عامل سوم ۰/۸۷، عامل چهارم ۰/۷۴، عامل پنجم ۰/۸۵ و عامل ششم ۰/۸۱ محاسبه شد. این شاخص برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۶ بود که نشان‌دهنده پایایی بسیار مناسب مقیاس است.

۲. آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل: بر پایه نظریه ۱۶ عامل عمیق شخصیت قرار دارد و برای افراد ۱۶ سال به بالا مناسب است. این آزمون همچون سایر آزمون‌های ساخت‌دار بر اساس این فرض ساخته شده است که صفات انسانی در موقعیت‌های گوناگون از ثبات نسبی برخوردارند، و از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند و در عین حال این صفات قابل اندازه‌گیری است. کتل با استفاده از فهرست صفات شخصیت که آلپورت تهیه کرده بود، شروع به تدوین آزمون شخصیتی خود کرد.



در مرحله اول، وی صفات را به ۱۷۱ صفت کاهش داد و آنها را تحت عنوان صفات سطحی مطرح کرد. سرانجام با تحلیل عاملی به ۱۶ عامل متمایز و عمقی دست یافت که همه تغییرات شخصیت را تبیین می‌کند (شریفی، ۱۳۸۷).

سنجش اعتبار نسخه فارسی ۱۶ عاملی کتل بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی صورت گرفته است. در فرآیند اعتباریابی از سه روش متفاوت آزمون - بازآزمون با فاصله زمانی کوتاه، آزمون - بازآزمون مجدد با فاصله زمانی زیاد و روش همسان‌سازی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. میانگین اعتبار به دست آمده از آزمون - بازآزمون با فاصله کوتاه ۰/۶۵٪ و با فاصله زیاد ۰/۵۲٪ و با روش همسانی درونی برابر با ۰/۵۴٪ به دست آمده است. متوسط ضریب روایی این پرسش‌نامه نیز ۰/۷۶٪ بوده که نشانگر اعتبار و روایی قابل قبول این پرسش‌نامه است (بررگر، ۱۳۷۵).

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای بررسی داده‌ها از میانگین، انحراف معیار، روابط همبستگی ساده و تحلیل همبستگی بنیادی استفاده شد و نرم‌افزار SPSS در تحلیل داده‌ها و محاسبه همبستگی بنیادی به کار رفت. تحلیل همبستگی بنیادی رابطه دو مجموعه متغیر را در یک گروه بررسی می‌کند (هومن، ۱۳۸۴). قبل از تحلیل داده‌ها، پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیره، بررسی و نتایج چولگی و کشیدگی متغیرها نشان داد که توزیع نمرات آزمون‌ها نرمال است. همچنین، آزمون لوین نشان داد که همگنی واریانس‌ها برقرار است.

### یافته‌ها

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
گرایش / انزوا	۵۰/۴۴	۱۰/۵۶۲
شکست / پوچی	۴۳/۲۸	۱۱/۰۳۶
دین‌گریزی	۱۹/۸۹	۶/۳۸۰
ضعف ایمان	۲۳/۶۵	۵/۵۵۱

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
خودجانبداری	۲۹/۷۹	۷/۳۸۵
نوسان خلق	۲۴/۹۶	۴/۳۰۳
مردم‌گریزی / مردم‌آمیزی	۶/۳۹	۱/۹۵۰
هوش	۳/۷۱	۱/۹۲۰
ناپایداری هیجانی / نیرومندی من	۴/۸۳	۱/۴۱۹
اطاعت / سلطه	۶/۶۴	۱/۵۸۷
خودانگیزگی	۵/۹۶	۱/۸۶۸
بی‌اعتنائی به قوانین	۴/۴۱	۱/۶۹۸
تهور / کناره‌گیری	۶/۶۵	۱/۹۸۰
حساسیت هیجانی / اتکا به نفس	۵/۳۸	۱/۷۸۸
اعتماد / بی‌اعتمادی	۵/۴۶	۱/۸۲۷
منکی به خود / دیگران	۵/۳۷	۱/۸۴۲
مهارگری اراده	۵/۲۲	۱/۸۶۵
تنش	۵/۳۸	۱/۸۶۲
تخیلی - واقعی	۶/۳۸	۱/۹۵
گسیخته‌خوبی - سازش‌پذیری	۴/۴۸	۱/۶۷
تندوری - محافظه‌کاری	۵/۳۶	۱/۷۸
ظرافت - سادگی	۴/۸۳	۱/۴۱
افسردگی از منظر قرآن	۱۹۲/۰۱۷	۳۳/۹۸۱۱
تعداد کل	۱۷۰	۱۷۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، عامل گرایش - انزوا و احساس شکست از متغیرهای صفات قرآنی بیشترین میانگین، و متغیر هوش از عوامل شخصیتی کتل، کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.



جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای شخصیتی کتل با متغیرهای قرآنی

متغیر	گرایش - انزوا	احساس شکست	دین‌گرایی	ضعف ایمن	خود-جانبداری	نوسان خلقی	مردم‌آمیز	هوش	پایداری هیجانی	سلطه‌گر	خودانگیزینه	وجدان‌گرایی	حساسیت هیجانی	پارانویا	تخیلی - واقعی	ظرافت - سادگی	اعتماد یا آرایش	تندروی در خلق و خو	خودکفا	مهارگری	اراده	تنش		
۱	۱																							
۲		۱																						
۳			۱																					
۴				۱																				
۵					۱																			
۶						۱																		
۷							۱																	
۸								۱																
۹									۱															
۱۰										۱														
۱۱											۱													
۱۲												۱												
۱۳													۱											
۱۴														۱										
۱۵															۱									
۱۶																۱								
۱۷																	۱							
۱۸																		۱						
۱۹																			۱					
۲۰																				۱				
۲۱																					۱			
۲۲																						۱		

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، متغیر گرایش انزوا همبستگی مثبت و معناداری با سه مؤلفه شخصیتی کتل (بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز - تسلط بر خود و تنش) و همبستگی منفی با مهارگری اراده دارد و با سایر متغیرهای شخصیتی چنین رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود. احساس شکست نیز همبستگی مثبت با دو مؤلفه شخصیتی (تنش، سرزنش‌کننده خود) و همبستگی منفی با دو مؤلفه مهارگری اراده و رعایت معیارهای اخلاقی دارد. خودجانبداری نیز با مؤلفه‌های تنش و



خودکفایی همبستگی مثبت و با مهارگری اراده و رعایت معیارهای اخلاقی همبستگی منفی دارد. متغیر ضعف ایمان نیز با مؤلفه‌های تنش، خودکفایی و خودسرزندی همبستگی مثبت دارد و مانند سایر متغیرهای قرآنی با مهارگری اراده و رعایت معیارهای اخلاقی رابطه منفی دارد. رابطه معناداری میان سایر متغیرهای قرآنی و ابعاد شخصیتی کتل در سطح ۰/۰۱ یافت نشد. از آنجا که میان چهار صفت شخصیتی (گسیخته‌خویی - سازش‌پذیری، ظرافت - سادگی، تخیلی - واقعی، تندروری در خلق و خو - محافظه‌کاری) کتل و آزمون افسردگی از منظر قرآن همبستگی معناداری یافت نشد، در مرحله بعدی بررسی نشدند و حذف شدند. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای شخصیتی کتل با متغیرهای قرآنی تحلیل همبستگی بنیادی انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی بنیادی در جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۳: خلاصه ابعاد همبستگی بنیادی

ابعاد	مقدار همبستگی بنیادی	درصد واریانس مشترک	خی دو	df	P
۱	۰/۷۲	۰/۵۰	۲۸۹/۳۱	۷۲	۰/۰۰۱
۲	۰/۵۸	۰/۳۴	۱۷۷/۶۸	۵۵	۰/۰۰۱
۳	۰/۵۳	۰/۲۷	۱۱۱/۰۳	۴۰	۰/۰۰۱
۴	۰/۴۴	۰/۱۸	۵۹/۸۷	۲۷	۰/۰۰۲
۵	۰/۳۶	۰/۱۳	۲۸/۹۱	۱۶	۰/۰۲۴
۶	۰/۲۰	۰/۰۴	۶/۸۳	۷	۰/۴۴

نتایج تحلیل همبستگی بنیادی در جدول ۳ نشان می‌دهد که پنج ریشه بنیادی از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است. مقدار همبستگی بنیادی بین مجموعه متغیرها برای این پنج بُعد به ترتیب عبارت‌اند از:  $R_{c1} = 0/72$  و  $R_{c2} = 0/58$  و  $R_{c3} = 0/53$  و  $R_{c4} = 0/44$  و  $R_{c5} = 36/0$  که  $0/50$ ،  $0/34$ ،  $0/27$ ،  $0/18$  و  $0/13$  از واریانس دو مجموعه متغیرهای در دست مطالعه دارای واریانس‌های مشترک‌اند و می‌توان بر اساس این همبستگی بنیادین پنج دسته از متغیرها را با ریشه‌های مشترک شناسایی و معرفی کرد.

جدول ۴: نتایج همبستگی های بنیادی مجموعه متغیرهای قرآنی و صفات شخصیتی کتل

متغیر	اولین متغیر بنیادین		دومین متغیر بنیادین		سومین متغیر بنیادین		چهارمین متغیر بنیادین		پنجمین متغیر بنیادین	
	همبستگی ساختاری	بار کانونی	همبستگی ساختاری	بار کانونی	همبستگی ساختاری	بار کانونی	همبستگی ساختاری	بار کانونی	همبستگی ساختاری	بار کانونی
گرایش انزوا	۰/۸۱	۰/۳۹	۰/۲۷	۰/۵۳	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۳۰	۰/۹۴	۰/۰۸	۰/۰۷
احساس شکست	۰/۶۶	۰/۳۸	۰/۶۰	۰/۴۶	۰/۰۷	۰/۳۶	۰/۲۴	۰/۸۷	۰/۲۴	۰/۲۴
دین‌گریزی	۰/۷۸	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۶۶	۰/۳۴	۰/۶۵	۰/۱۳	۰/۶۸	۰/۴۴	۰/۴۴
ضعف ایمان	۰/۷۳	۰/۲۴	۰/۴۲	۰/۵۲	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۳۲	۰/۸۲	۰/۲۳	۰/۲۴
خودجانبداری	۰/۶۰	۰/۲۲	۰/۴۷	۰/۵۰	۰/۲۹	۰/۸۹	۰/۰۶	۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۳۹
نوسان خلقی	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۴۳	۰/۲۵	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۲۳	۰/۵۳	۰/۱۷	۰/۱۷
A	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۰۶۷	۰/۱۵	۰/۴۵	۰/۵۰	۰/۱۵	۰/۱۰
B	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۳۹	۰/۰۸	۰/۴۲	۰/۶۵	۰/۴۵	۰/۱۷	۰/۳۰	۰/۳۵
C	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۴۲	۰/۴۰	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۵۱	۰/۵۸	۰/۲۱	۰/۲۰
E	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۳۴	۰/۵۲	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۰۹	۰/۰۴
F	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۲۷	۰/۰۱	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۶۱	۰/۵۹
G	۰/۳۹	۰/۱۳	۰/۳۲	۰/۲	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۳۳	۰/۳۴
H	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۵۷	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۲۴	۰/۰۳
I	۰/۰۸۸	۰/۲۶	۰/۱۱	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۵۷	۰/۵۱
O	۰/۵۴	۰/۲۱	۰/۴۴	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۳۹	۰/۰۵	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۰۴
Q2	۰/۴۷	۰/۴۴	۰/۳۵	۰/۵۰	۰/۴۱	۰/۱۰	۰/۳۳	۰/۳۹	۰/۰۹	۰/۲۳
Q3	۰/۶۱	۰/۳۶	۰/۵۶	۰/۳۰	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۲۰	۰/۲۸	۰/۱۴	۰/۶۰
Q4	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۰۴۶	۰/۲۵	۰/۰۴	۰/۴۳

ملاک ۰/۳۰ به عنوان نمره برش برای بارگذاری در نظر گرفته شد (تاباچنیک<sup>۱</sup> و فیدل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). جدول

1. Tabachnick, B. G.

2. Fidel

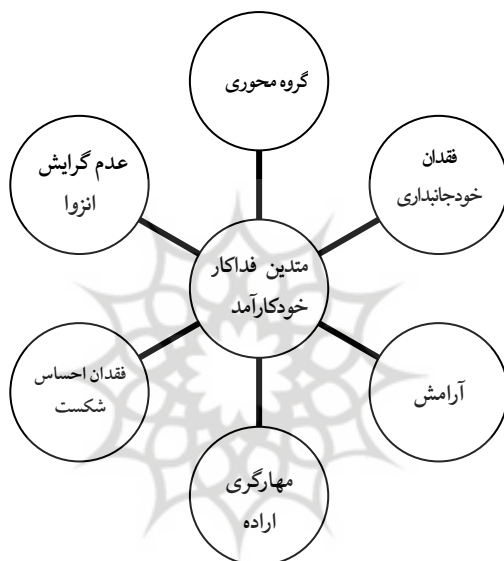
شماره چهار همبستگی ساختار بارهای عاملی را برای پنج بُعد هر دو مجموعه از متغیرها نشان می‌دهد. برای متغیرهای قرآنی، اولین بُعد بنیادی تحت تأثیر گرایش انزوا (۰/۳۹-)، دین‌گریزی (۰/۴۵-)، احساس شکست (۰/۳۸-) و خودجانبداری (۰/۶۰-) قرار گرفت. برای متغیرهای شخصیتی کتل، اولین بُعد شامل مهارگری اراده (۰/۳۶)، تنش (۰/۳۲-)، گروه‌محوری (۰/۴۴-) بود. برای دومین بُعد نیز، احساس شکست (۰/۴۶)، ضعف ایمان (۰/۵۲)، خودجانبداری (۰/۵۰)، مهارگری اراده (۰/۳۰-)، پایداری هیجانی (۰/۴۰-)، برونگرایی (۰/۴۲)، و گروه‌محوری (۰/۵۰-) متغیرهای غالب بودند. در بُعد سوم، متغیرهای خودجانبداری (۰/۸۹)، نوسان خلقی (۰/۶۵-)، دین‌گریزی (۰/۶۵-)، هوش (۰/۶۵-)، بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز (۰/۳۹-)، سلطه‌گری (۰/۵۲)، کناره‌گیری (۰/۵۷-) متغیرهای معنادار بودند. در بُعد چهارم همبستگی بنیادین نیز، متغیرهای گرایش - انزوا (۰/۹۴-)، احساس شکست (۰/۸۷-)، ضعف ایمان (۰/۸۳-)، پایداری هیجانی (۰/۵۸-)، مردم‌آمیزی (۰/۵۰-)، حساسیت هیجانی (۰/۴۰-)، گروه‌محوری (۰/۳۹-) متغیرهای معنادار بودند و در نهایت در بُعد پنجم همبستگی بنیادین.

اولین بُعد متغیر بنیادی، بالابودن همبستگی ساختار و ضرایب بنیادی در متغیرهای گرایش - انزوا، دین‌گریزی، شکست، مهارگری اراده و تنش، نشان می‌دهد که این متغیرها نقش مهمی در تولید نتایج ایفا می‌کنند و به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و همچون تسهیلگر عمل می‌کنند. همچنین، اولین بُعد متغیر بنیادی در سایر متغیرها نشان می‌دهد که این متغیرها یا بازدارنده‌اند یا اینکه تحت تأثیر سایر متغیرها تولید شده‌اند.

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی بنیادی در جدول شماره سه، اولین ریشه بنیادی، در آزمون کای اسکور که تبدیل شده لامبدای ویلکز (L) است مساوی ۲۸۹/۳۱ است که در سطح ۰/۰۵ معنادار شد. همین‌طور یافته‌های جدول شماره چهار نشان می‌دهد اولین ریشه بنیادی مشترک میان صفات قرآنی و پرسش‌نامه کتل، از طریق ضرایب ساختاری منفی گرایش - انزوا، دین‌گریزی و احساس شکست، تنش و گروه‌محوری و همچنین به واسطه ضریب مثبت مهارگری اراده تبیین شد که به ترتیب خودجانبداری و گروه‌محوری بالاترین میزان همبستگی و مهارگری اراده و تنش پایین‌ترین میزان همبستگی را نشان داد.

نتایج به‌دست‌آمده توصیف‌کننده سازه واحد و زیربنایی مشترک میان صفات مطرح‌شده است. این سازه مشترک، توصیف‌کننده شخصیتی با ویژگی‌های به ترتیب تأثیرپذیری، فقدان

خودجانبداری، گروه‌محوری، دینداری، مردم‌آمیزی و اجتماعی‌بودن، احساس خودکارآمدی بالا، با مهارگری اراده قوی و آرام و بدون تنش است. همان‌گونه که در شکل یک ترسیم شده است، با ویژگی‌های به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادین اول، می‌توان سازه زیربنایی و مشترک میان دو رویکرد مبتنی بر قرآن و نظریه کتل را «متدین فداکار و خودکارآمد» نامید. این سازه منبع تغییرات در صفات مطرح‌شده است و تبیین‌کننده نقطه اشتراک دو موضع در دست بررسی است.



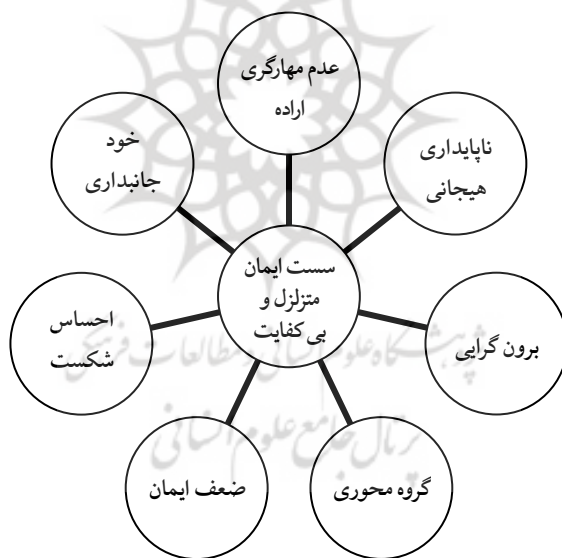
شکل ۲: نمودارهای سازه‌های بنیادین یک

در جدول ۳، دومین ریشه بنیادی، در آزمون کای اسکور که شکلی تغییر یافته از لامبدای ویلکز ( $\lambda$ ) است، مساوی ۱۷۷/۶۸ است و در سطح ۰/۰۵ معنادار شد. همین‌طور یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد دومین ریشه بنیادی مشترک میان صفات قرآنی و نظریه شخصیتی کتل، از طریق ضرایب ساختاری منفی احساس شکست، خودجانبداری، ضعف ایمان، گروه‌محوری و برون‌گرا، همچنین به واسطه ضریب منفی مهارگری اراده و پایداری هیجانی تبیین شد، که به ترتیب ضعف ایمان و خودجانبداری بالاترین میزان همبستگی و ناپایداری هیجانی و فقدان مهارگری اراده پایین‌ترین میزان همبستگی را نشان دادند.

در این بخش نیز، نتایج به‌دست‌آمده توصیف‌کننده سازه واحد و زیربنایی مشترک میان صفات

مطرح شده است. این سازه مشترک، توصیف‌کننده شخصیتی با ویژگی‌های، به‌ترتیب، ایمان ضعیف، خودجانبدار، گروه‌محور، دارای احساس شکست، برون‌گرایی، ناپایداری هیجانی، فقدان مهارگری اراده است. همان‌گونه که در شکل یک توصیف شده است، با ویژگی‌های به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادین دوم می‌توان سازه زیربنایی و مشترک میان دو پرسش‌نامه صفات قرآنی و کتل را «سست‌ایمان بی‌کفایت» نامید. این سازه تبیین‌کننده نقطه اشتراک دو پرسش‌نامه در دست بررسی است.

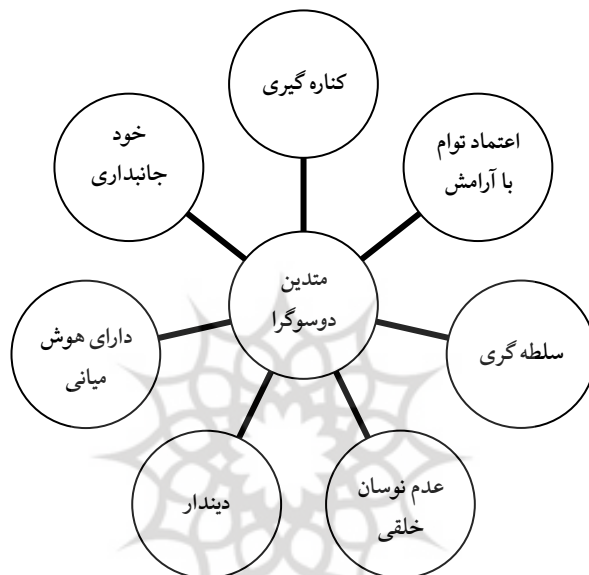
نتایج حاکی از این است که دانشجویانی که دارای صفات خودجانبداری و احساس شکست هستند، به قوانین اجتماعی بی‌اعتناترند و پایداری هیجانی کمتری دارند. همچنین، وابستگی به گروهشان پایین‌تر است (خودکفاترند). به نظر می‌رسد ترکیبی از احساس شکست، خودجانبداری، فقدان مهارگری اراده، ناپایداری هیجانی و خودکفایی و بی‌توجهی به دیدگاه‌های دیگران عمیقاً در رابطه باشند.



شکل ۲: سازه‌های بنیادین دوم

طبق جدول ۳، سومین ریشه بنیادی در آزمون کای اسکور که شکلی تغییر یافته از لامبدای ویلکز است، برابر با  $111/03$  است که در سطح  $0/05$  معنادار شد. همین‌طور یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که سومین ریشه بنیادی مشترک میان صفات قرآنی و صفات شخصیتی کتل، از طریق

ضرایب ساختاری منفی دین‌گریزی، هوش، نوسان خلقی، کناره‌گیری و اعتماد توأم با آرامش، و همچنین به واسطه ضریب مثبت خودجانبداری و سلطه‌گری تبیین شد که به ترتیب خودجانبداری و دین‌گریزی و هوش، بالاترین میزان همبستگی، و سلطه‌گری و بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز پایین‌ترین میزان همبستگی را نشان دادند.

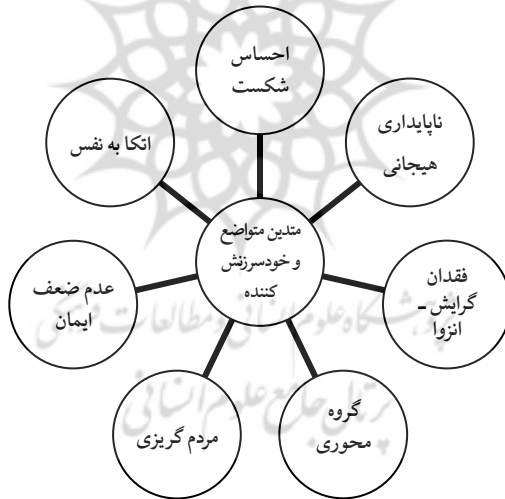


شکل ۳: روابط همبستگی بنیادین سوم

نتایج به‌دست‌آمده توصیف‌کننده سازه واحد و زیربنایی مشترک میان صفات مطرح‌شده است. این سازه مشترک، توصیف‌کننده شخصیتی با ویژگی‌های، به ترتیب، خودجانبدار، دارای هوش عینی، دیندار، فاقد نوسان خلقی، کناره‌گیر از روابط اجتماعی، سلطه‌گر، بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز است. با ویژگی‌های به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادین سوم می‌توان سازه زیربنایی و مشترک میان دو مجموعه صفات قرآنی و صفات شخصیتی کتل را «متدین دوسوگرا» نامید. این سازه منبع تغییرات در صفات مطرح‌شده‌اند و تبیین‌کننده نقطه اشتراک دو پرسش‌نامه در دست بررسی هستند. طبق جدول ۳، چهارمین ریشه بنیادی در آزمون کای اسکور که شکلی تغییر یافته از لامبدای ویلکز است، برابر با ۵۹/۸۹ است که در سطح ۰/۰۵ معنادار شد. همین‌طور یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که چهارمین ریشه بنیادی از طریق ضرایب ساختاری منفی گرایش - انزوا، احساس شکست، مردم‌آمیزی، پایداری هیجانی، حساسیت هیجانی، گروه‌محوری و ضریب مثبت ضعف

ایمان تبیین می‌شود.

نتایج به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادی چهارم، توصیف‌کننده سازه واحد و زیربنایی مشترک میان صفات مطرح‌شده است. این سازه مشترک، توصیف‌کننده شخصیتی با ویژگی‌های، به‌ترتیب، دارای فقدان گرایش و انزوا، دارای احساس شکست، باایمان، پایداری هیجانی، اتکا به نفس و خودکفا است (شکل ۳). با ویژگی‌های به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادین چهارم، می‌توان سازه زیربنایی و مشترک میان دو پرسش‌نامه صفات قرآنی و کتل را «متدین متواضع و خودسرزنشگر» نامید. این سازه منبع تغییرات در صفات مطرح‌شده است و تبیین‌کننده نقطه اشتراک دو پرسش‌نامه در دست بررسی است. طبق جدول ۳، پنجمین و آخرین ریشه بنیادی در آزمون کای اسکور که شکلی تغییر یافته از لامبدای ویلکز است، برابر با ۲۸/۹۱ است که در سطح ۰/۰۵ معنادار شد. همین‌طور یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد پنجمین ریشه بنیادی از طریق ضرایب ساختاری منفی دین‌گریزی و خودجانبداری و ضریب مثبت هوش، خودانگیخته، باوجدان و دارای حساسیت هیجانی تبیین می‌شود.

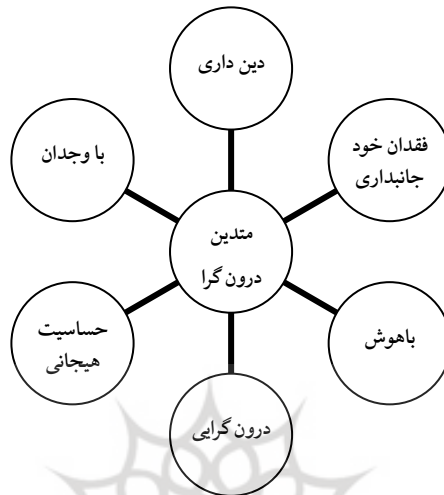


شکل ۴: سازه بنیادین گروه چهارم

نتایج به‌دست‌آمده در آخرین همبستگی بنیادی، توصیف‌کننده سازه واحد و زیربنایی مشترک میان صفات مطرح‌شده است. این سازه مشترک، توصیف‌کننده شخصیتی با ویژگی‌های، به‌ترتیب، خودانگیخته، حساسیت هیجانی بالا، دینداری، فاقد خودجانبداری، دارای هوش بالا و انتزاعی و باوجدان است (شکل ۴). با ویژگی‌های به‌دست‌آمده در همبستگی بنیادین پنجم، می‌توان سازه زیربنایی و مشترک میان دو پرسش‌نامه



صفات قرآنی و کتل را «متدین درونگرا و هوشمند» نامید. این سازه منبع تغییرات در صفات مطرح شده است و تبیین‌کننده نقطه اشتراک دو پرسش‌نامه در دست بررسی است.



شکل ۵: همبستگی بنیادین پنجم

### بحث و نتیجه‌گیری

اختلال افسردگی از شایع‌ترین اختلالات روانی و از موضوعات مهم بهداشت روانی محسوب می‌شود. لذا شناخت مؤلفه‌های آن محل توجه روان‌شناسان بوده است. از سوی دیگر، تحقیقات بیانگر آن است که شناخت‌ها، عواطف و شیوه‌های رفتاری‌ای که دین بر آن تأکید کرده با اختلال افسردگی ارتباط فراوان دارد (باسکی، ۲۰۰۰؛ شاددل و نوربالا، ۱۳۷۵). بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط متقابل میان صفات شخصیتی کتل و صفات قرآنی انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای گرایش - انزوا، دین‌گریزی، ضعف ایمان، احساس شکست، خودجانداری، مهارگری اراده و آرامش همگی تحت تأثیر سازه‌ای به نام «متدین فداکار خودکارآمد» هستند.

نتایج اولین همبستگی بنیادی نشان داد سازه «متدین فداکار خودکارآمد» سازه مشترک میان نظریه شخصیتی کتل و رویکرد افسردگی از منظر قرآن است. ۵۰ درصد از واریانس متغیرهای شخصیتی کتل (مهارگری اراده، تنش - آرامش، اعتماد توأم با آرامش) به وسیله متغیرهای قرآنی (گرایش - انزوا، دین‌گریزی، احساس شکست) تبیین می‌شود که رقم در خور ملاحظه‌ای است. با

توجه به متغیرهای مرتبط با این سازه، این سازه «متدین فداکار خودکارآمد» نامیده شد که نمایانگر ارتباط گروهی از ویژگی‌های مرتبط با هم در میان دو نظریه مزبور است. این سازه معرفی‌کننده گروهی از افراد با این ویژگی‌ها است: تقید به مذهب و باایمان بودن، فداکاری و دوری از خودشیفتگی، خودکارآمدی و فقدان احساس شکست، تجربه آرامش بیشتر و اضطراب کمتر، مهارگری اراده و خودکنترلی و اجتماعی بودن و زودجوش بودن.

این یافته (ارتباط دینداری با مهارگری اراده) همسو با یافته رفیعی هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) است. در واقع، با افزایش نمره مذهبی افراد، نمره‌های خودمهارگری آنها افزایش می‌یابد و هرچه تقید به اخلاق بالاتر می‌رود، توانایی در خودمهارگری افزایش می‌یابد (همان). پژوهش‌های دیسموند و همکاران از این یافته پژوهش حمایت می‌کند. این پژوهشگران نشان دادند بین دینداری نوجوانان و خودمهارگری، رابطه مثبت معناداری وجود دارد و هر دو متغیر دینداری و خودمهارگری با کاهش رفتارهای مجرمانه همچون مصرف الکل و ماری جوانا در ارتباط است. بامیستر<sup>۱</sup> و ایکسلاین<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) نیز نشان دادند اخلاق می‌تواند به مردم در زمینه هماهنگی در زندگی اجتماعی یاری رساند؛ اما آنها از خودمهارگری بی‌نیاز نیستند. آنها معتقدند اخلاق پیوند مستحکمی با دین دارد؛ از این جهت که بر رفتار پرهیزکارانه یا مهار نکانه‌ها در بسیاری از آموزه‌های دین تأکید شده است. به گفته آنها، در آیین یهود و مسیحیت بیشتر احکام عشره (ده فرمان) اعمال خودخواهانه را محکوم می‌کند و حتی هفت گناه بزرگ چون شکم‌پرستی، غرور، حرص و تبلی در مذهب کاتولیک را می‌توان اشاره‌ای به کوتاهی‌ها در مسئله خودمهارگری تلقی کرد. افزون بر اینکه چهار فضیلت کاردینال (دوراندیشی، عدالت، بردباری و اعتدال) بر خودمهارگری متکی است و آن را تأیید می‌کند.

در آموزه‌های دین اسلام نیز بر خودمهارگری در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی تأکید فراوانی شده است. این عنوان در قالب مفاهیمی چون «تقوا»، «صبر»، «ورع»، «عفت»، «اعتدال»، «کظم غیظ» و ... مطرح شده است. در نتیجه می‌توان گفت انسان در نگاه اسلامی با خودمهارگری در برابر فرمان‌های الهی و مصیبت‌ها (امور ناخوشایند) و خودمهارگری در برابر معاصی و گناهان (امور خوشایند)، متخلق به فضیلت «تقوا» خواهد شد. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد، در نگاه اسلامی، لازمه خودمهارگری، نوعی غنا و بی‌نیازی از مال، ثروت، انسان‌ها و

1. Baumeister, R. F.

2. Eixline, J.

مظاهر دنیای مادی است تا در سایه آن انسان بتواند برای هدفی بالاتر (کمال الهی) خود را از کشش به سوی آنها حفظ کند.

یافته دیگر (رابطه میان دینداری و فقدان اضطراب) هم جهت با برخی پژوهش‌ها است (جمالی، ۱۳۸۱؛ روغنچی، ۱۳۸۴؛ جعفری، صدری و فتحی اقدم، ۱۳۸۸؛ قدرتی میرکوهی و خرمایی، ۱۳۸۹؛ فرانسس<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۴؛ نانی میکر<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۰۶؛ کیم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ کزدی<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۱۰). به طور کلی یافته‌های این پژوهش‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های دینداری یعنی التزام به رفتار دینی، عواطف و احساسات دینی و باورهای دینی افراد رابطه معکوس و معناداری با نشانه‌های مرضی، یعنی اضطراب و افسردگی و ناسازگاری اجتماعی، دارد.

نتایج دومین همبستگی بنیادی نشان داد سازه «سست‌ایمان بی‌کفایت» سازه مشترک میان نظریه شخصیتی کتل و رویکرد افسردگی از منظر قرآن است. این همبستگی بنیادی نشانگر آن است که رابطه معناداری بین متغیرهای قرآنی (احساس شکست، خودجانبداری، نوسان خلقی) و متغیرهای شخصیتی کتل (مهارگری اراده، خودکفایی، پایداری هیجانی) وجود دارد و ۳۴ درصد از واریانس متغیرهای شخصیتی کتل به وسیله متغیرهای قرآنی تبیین می‌شود. این یافته (ارتباط احساس شکست و فقدان مهارگری اراده) همسو با یافته (روکی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹؛ دوتش<sup>۶</sup>، ۱۹۷۸) است. یافته‌های این پژوهش‌ها حاکی از آن است که نقص در خودمهارگری با ناامیدی و افسردگی مرتبط است. از سوی دیگر، در خصوص ارتباط مثبت بین صفات قرآنی و صفات شخصیتی کتل، بدیهی است نوسان خلقی، که طبق توضیح مطرح‌شده شامل نوسانات خلقی شدید بین رضایتمندی - نارضایتی، ارزشمندی - حقارت و شادی - غمگینی است (فیاض، بهرامی احسان، اخوت، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶)، با متغیر شخصیتی ناپایداری هیجانی در رابطه باشد.

در خصوص موضوع مهارگری اراده و متغیر خودجانبداری که رگه‌هایی از خودشیفتگی را در

1. Francis, L.
2. Nonnemaker, J.
3. Kim, J.
4. Kézdy, A.
5. Rokke, P. D.
6. Deutsch, A. N.

خود نمایان ساخته، و هس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد دادند که زیربنای خودشیفتگی خودکنترلی اندک است، و خودکنترلی اندک، در افراد خودشیفته منجر به پرخاشگری می‌گردد. به طور کلی خودمهارگری مفهوم مرکزی خود است و کلیدی برای موفقیت در زندگی محسوب می‌شود. در حقیقت، خودمهارگری به فرد در جلوگیری کردن از پاسخ یا مهارکردن آن و تولید پاسخ متفاوت کمک می‌کند. خودمهارگری ناکافی با مشکلات هیجانی، فقدان ثبات و پایداری و شکست‌های مختلف در اجرای برنامه، مشکلات ارتباطی و شکایات روان‌شناختی ارتباط دارد (بایمستر و همکاران، ۲۰۰۷). لذا طبیعی است بین احساس شکست، نوسان خلقی و مهارگری اراده رابطه منفی وجود داشته باشد. زیرا مهارگری اراده ناکافی با ناپایداری هیجانی و فقدان ثبات ارتباط دارد.

نتایج سومین همبستگی بنیادی نشان داد سازه «متدین دوسوگرا» سازه مشترک میان نظریه شخصیتی کتل و رویکرد افسردگی از منظر قرآن است. در حقیقت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای خودجانبداری، دینداری، فقدان نوسان خلقی، کناره‌گیری، سلطه‌گری، هوش عینی و اعتماد توأم با آرامش همگی تحت تأثیر سازه‌ای به نام «متدین دوسوگرا» هستند. زیرا سازه سوم متشکل از صفاتی است که به نوعی در دو قطب متضاد مثبت و منفی قرار دارند که خود اشاره به دوسوگرایی این سازه است.

همچنین، نتایج سومین همبستگی بنیادی، بیانگر آن است که رابطه معناداری بین متغیرهای قرآنی (فقدان نوسان خلقی و دینداری و جانبداری) و متغیرهای شخصیتی کتل (اعتماد توأم با آرامش، سلطه‌گری، کناره‌گیری، هوش عینی) وجود دارد. ۲۷ درصد از واریانس متغیرهای کتل (هوش عینی، سلطه‌گری، کناره‌گیری و اعتماد توأم با آرامش) به کمک متغیرهای قرآنی (فقدان نوسان خلقی، دینداری و خودجانبداری) تبیین می‌شود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، خودجانبداری، سلطه‌گری، هوش عینی و کناره‌گیری با هم ارتباط مثبت دارند. به عبارت دیگر، افراد خودجانبدار، تمایل به مهار دیگران و تسلط و نظارت بر آنان برای رسیدن به اهداف خود دارند، و پیرو اصول اخلاقی نیستند.

نتایج چهارمین همبستگی بنیادی نشان داد سازه «مؤمن متواضع و خودسرزنش‌کننده» سازه مشترک میان نظریه شخصیتی کتل و رویکرد افسردگی از منظر قرآن است. در حقیقت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای باایمان بودن، فقدان گرایش انزوا، احساس شکست، ناپایداری

1. Vohs, K. D.

هیجانی، اتکا به نفس، مردم‌گریزی و گروه‌محوری همگی تحت تأثیر سازه‌ای به نام «متدین متواضع و خودسرزنش‌کننده» هستند.

و درنهایت در خصوص آخرین و پنجمین ریشه همبستگی، نتایج بیانگر آن است که متغیرهای درونگرایی، دینداری، فقدان خودجانبداری، هوشمندی، باوجدان و حساسیت هیجانی همگی تحت تأثیر سازه‌ای به نام «متدین درونگرا و هوشمند» هستند. این سازه ویژگی‌هایی دارد که عبارت است از: دینداری، برخورداری از هوش انتزاعی، درونگرایی، فداکاری و فقدان خودجانبداری، حساسیت هیجانی و باوجدان بودن.

بنابراین، این دو مقیاس (افسردگی از دیدگاه قرآن و کتل) با هم بسیار در ارتباط‌اند و این ارتباط در قالب این پنج سازه بنیادین و زیربنایی تجلی یافته است که در هر کدام از این سازه‌ها، ارتباطی متفاوت میان عوامل دو مقیاس وجود دارد که می‌توان در آن، سبک‌های متفاوت ارتباط عوامل افسردگی از دیدگاه قرآن و صفات شخصیتی را ملاحظه کرد.

در انتها، می‌توان از محدودیت‌های پژوهشی این تحقیق به ناممکن بودن استفاده از نمونه‌گیری تصادفی و حتی دربرنگرفتن افراد سایر قشرهای اجتماعی و با شغل‌های گوناگون به عنوان نمونه در پژوهش اشاره کرد. بهتر است در پژوهش‌های آتی بررسی طولی میان عوامل افسردگی از دیدگاه قرآن و افسردگی اساسی صورت گیرد.

## منابع

- بهرامی احسان، هادی؛ اخوت، احمدرضا؛ و فیاض، فاطمه (۱۳۹۴). درآمدی بر معناشناسی افسردگی مبتنی بر قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- برزگر، مجید (۱۳۷۵). هنجاریابی پرسش‌نامه ۱۶ عاملی شخصیت کتل در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی دلاور، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز.
- جمالی، فریبا (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا.
- جعفری، اصغر؛ صدری، جمشید؛ و فتیحی اقدم، قربان (۱۳۸۸). «رابطه بین کارایی خانواده و دینداری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر»، در: تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ش ۲۲، ص ۱۰۷-۱۱۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر تسنیم. قم: مؤسسه اسراء، چاپ اول.

- رفیعی هنر، حمید؛ و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، در: روان‌شناسی و دین، ش ۳، ص ۳۱-۴۲.
- روغنچی، محمود (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه رازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.
- شاددل، فرشاد؛ و نوربالا، احمدعلی (۱۳۷۵). «شواهد پژوهشی درباره تأثیر اعتقادات مذهبی فرد در کاهش ابتلا به افسردگی»، در: دانشور، ش ۴، ص ۲۵-۳۰.
- شریفی، حسن‌پاشا (۱۳۷۸). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی، تهران: رشد.
- شولتز، دوان (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یوسف کریمی و همکاران، تهران: ارسباران.
- فیاض، فاطمه؛ بهرامی احسان، هادی؛ و اخوت، احمدرضا (۱۳۹۴). «ساخت و آماده‌سازی مقدماتی مقیاس تشخیص افسردگی مبتنی بر قرآن و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن»، در: اسلام و مطالعات روان‌سنجی، س ۹، ش ۱۷، ص ۱۵۳-۱۸۰.
- قدرتی میرکوهی، مهدی؛ و خرماهی، احسان (۱۳۸۹). «رابطه دینداری با سلامت روان در نوجوانان»، در: علوم رفتاری، ش ۵، ص ۱۱۵-۱۳۱.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روان‌شناسی شخصیت، تهران: انتشارات مؤسسه نشر ویرایش.
- کلارک، دیوید؛ فربورن، کریستوفر (۱۳۸۶). در مان‌های شناختی رفتاری، ترجمه: حسین کاویانی، تهران: مهر کاویان.
- محمدی، محمدرضا؛ داویدیان، هاراتون؛ نوربالا، احمدعلی؛ ملک‌افضلی، حسین؛ تقوی، حمیدرضا؛ پوراعتماد و همکاران (۱۳۸۲). «همه‌گیرشناسی اختلالات روان‌پزشکی در ایران در سال ۱۳۸۰»، در: اندیشه و رفتار، س ۱۳، ش ۳، ص ۵۵-۶۵.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۳). استنباط آماری در پژوهش رفتاری، تهران: سمت.
- Basky, G. (2000). "Does Religion Speed Recovery in Mental Illness?", in: *Canadian Medical Association Journal*, 163 (11): 1497-1502.
- Baumeister, R. F.; Vohs, K. D.; Tice, D. M. (2007). "The Strength Model of Self-Control", in: *Journal of the Association for Psychological Science*, 34: 310-320.
- Deutsch, A. N. (1978). *Self-Control and Depression: an Appraisal, Behaviour Therapy*, 9: 410-414.
- Dozois, D. J. A.; & et al. (2004). *The Nature of Anxiety and Depression: Implication for Prevention*, Washington D. C.: American Psychological Association.

- Francis, L.; & et al. (2004). "Religiosity and General Health among Undergraduate Students: a response to Connor, O'Brien, and Connor (2003)", in: *Personality and Individual Differences*, 37: 485-494.
- Kaplan, B. J.; & Sadock, B. A. (2015). *Synopsis of Psychiatry*, New York: Wolter Kluwer (11 Eds.).
- Kessler, R. C. (2002). "Epidemiology of Depression", In: Gotlib & CL Hammen (Eds.), *Hand Book of Depression*, New York: Guilford Press.
- Kézdy, A.; & et al. (2010). "Religious Doubts and Mental Health in Adolescence and Young Adulthood: The Association with Religious Attitudes", in: *Journal of Adolescence*, 24: 1-9.
- Grissom, G. R. (1996). *Treatment Outcomes in Psychotherapy and Psychiatric Interventions*, New York: Brunner/mazel.
- Kim, J. (2008). "The Protective Effects of Religiosity on Maladjustment among Maltreated and No Maltreated Children", in: *Child Abuse & Neglect*, 32: 711-720.
- Larson, D. B.; & et al. (2003). "Spirituality, Psychological and Emotional Health: A Brief Review of Quantitative Research", in: *Journal of Psychology & Theology*, 31: 37-51.
- Nonnemaker, J.; & et al. (2006). "Public and Private Domains of Religiosity and Adolescent Health Risk Behaviors: Evidence from the National Longitudinal Study of Adolescent Health", in: *Social Science & Medicine*, 57 (11): 2049-2054.
- Norberg, M. M.; Diefenbach, G. J., & Tolin, D. F. (2008). "Quality of life and anxiety and depressive disorder comorbidity", in: *Journal of Anxiety Disorders*, 22: 1516-1522
- Rokke, P. D. (1989). "Self-control Deficits in Depression: a Process Investigation", in: *Cognitive Therapy and Research*, 13: 609-621.
- Sage, M. (2011). *Religiosity and Depression: A Ten-Year Follow-up of Offspring at High and Low Risk for Depression*, A dissertation from School of Arts and Sciences Columbia University.
- Smith, T. B.; McCullough, M. E., & Poll, J. (2003). "Religiousness and depression: Evidence for a main effect and the moderating influence of stressful life events", in: *Psychological*

*Bulletin*, 129: 614-626.

Tabachnick, B. G.; & et al. (2001). *Using Multivariate Statistics*, Boston: Allyn and Bacon.

Vohs, K. D.; & et al. (2005). "Self-regulation and Self-presentation: Regulatory Resource Depletion Impairs Impression Management and Effortful Self-presentation Depletes Regulatory Resources", in: *Journal of Personality and Social Psychology*, 88: 632-657.

